

يختلقون رؤى، فما هو غرضهم !!

رؤياهاى دروغين مى سازند، با چه هدفى؟!

الرؤى كلمات الله، هذا ما نطقت به روايات عديدة.

رؤياها كلمات خدايند. اين مفهوم در روايات بسيارى وارد شده است.

لكن البعض وصلت به الجرأة - من أجل رد دعوة الحق - إلى أن يكذب ويخلق رؤى، غرضه منها إبعاد الناس عن الإيمان بدعوة الحق والتشويش عليهم، شاهدت ذلك بنفسى مرارا.

لكن برخی افراد به حدی جرأت و جسارت پیدا کرده‌اند که با هدف رد دعوت حق، به دروغ‌گویی و رؤیابافی روی آورده‌اند و قصد و غرضشان نیز دور نگاه داشتن مردم از ایمان به دعوت حق و مشوش ساختن امور بر آنان است. من خودم این مطلب را بارها شاهد بوده‌ام.

فما هو هدفهم من هذه المحاولة اليائسة والبائسة في نفس الوقت؟!

هدف آنها از دست زدن به اين تلاش نافرجام و زبونانه چيست؟

يقول السيد أحمد الحسن (عليه السلام) في بيان الهدف من فعلة جنود إبليس (لعنه الله) هذه:

سيد احمد الحسن (عليه السلام) در خصوص بيان هدف اين كار لشكريان ابليس (لعنت الله) مى‌فرمايد:

[محاولة بائسة:]

«تلاشى نااميدانه:

﴿بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ﴾ (الأنبياء: ٥)، هذا القول يكرره الذين يكفرون بملكوت السماوات، ويكذبون رسل الله في كل زمان، يكررونه مع كل رسالة، ومن محاولاتهم البائسة لإثبات أن رؤى المؤمنين ما هي إلا أضغاث أحلام هو الكذب على الله وافتراء رؤى: ﴿وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ (الأنعام: ٩٣)، هو أمر عند الله عظيم ولكنه هين عند هؤلاء المنكوسين، فهم بكل سهولة يقومون بتأليف رؤى مكذوبة ضد خليفة الله في زمانهم في محاولة بائسة للطعن بشهادة الله أمام المؤمنين، وفي نفس الوقت هم يقولون إنهم لا يعتقدون بالرؤيا وبأنها دليل تشخيص لخليفة الله في أرضه، وهذا يكشف كذبتهم ومحاولتهم للفرار من إلزامهم بالآلاف الرؤى التي رآها الناس والواضحة في تشخيص خليفة الله، والذين يمتنع تواطئهم على الكذب، ورؤاهم موافقة لنص خليفة الله السابق.

«گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که می‌بندد یا شاعری است، پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد» (انبياء: ٥). کسانی که به ملکوت آسمان‌ها کفر می‌ورزند، این گفته را تکرار می‌کنند و در همه‌ی زمان‌ها، فرستادگان الهی را تکذیب می‌نمایند. آنها با هر رسالتی این کار را تکرار می‌کنند. از جمله تلاش‌های نومیدانه‌ی آنها برای اثبات این که خواب‌های مؤمنین صرفاً خواب‌هایی پریشان است، دروغ بستن به خدا و خواب‌سازی می‌باشد: «(و از آیات او سرپیچی می‌کردید)» (انعام: ٩٣). این کار نزد خدا بسی عظیم است ولی برای این نگونساران کاری سبک و آسان است. آنها در کمال خونسردی و به سادگی، در تلاشی مذبحخانه برای عیب‌جویی نسبت به شهادت خدا در برابر مؤمنین، خواب‌های دروغیني ضد خلیفه‌ی الهی در زمان‌شان گرد می‌آورند، و همزمان می‌گویند ما به رؤیا اعتقادی نداریم و آن را به عنوان دلیلی برای تشخیص و شناسایی خلیفه‌ی خدا در زمینش قبول نداریم. همین موضوع، دروغ‌پردازی آنها را برملا می‌سازد و تلاش آنها برای فرار از ملزم شدن آنها به هزاران رؤیایی که مردم دیده‌اند و برای تشخیص خلیفه‌ی الهی واضح و آشکار می‌باشند را هویدا می‌سازد؛ مردمی که از دروغ‌پردازی‌های آنها احتراز کردند و رؤیاهای‌شان موافق نص خلیفه‌ی قبلی خدا بود.

وأيضاً: هم عندما يكذبون ويؤلفون رؤى لا يلتفتون أن هذا الأمر أصبح كشفه بسيطاً جداً بعد آدم (عليه السلام)؛ حيث إن هناك نصاً من خليفة سابق وهو نص إلهي، فنص الله على خليفته بالرؤيا حتماً

مطابق له ولا يخالفه، وبالتالي فكل من يؤلف رؤيا كذباً وزوراً مخالفة لنص الخليفة السابق يتبين أنه كاذب على الله.

همچنین آنها وقتی دروغ می‌گویند و خواب‌هایی را به هم می‌بافند، توجه ندارند که پس از حضرت آدم (علیه السلام) شناسایی این موضوع کار بسیار آسانی شده است زیرا نصی از خلیفه قبلی وجود دارد که نص الهی است. نص خدا بر خلیفه‌ی خودش از طریق رؤیا، کاملاً بر او منطبق است و در این بین ناسازگاری و اختلافی وجود ندارد. لذا هر کس رؤیای دروغین و باطلی به هم ببافد که با نص خلیفه‌ی سابق متفاوت باشد، روشن می‌شود که وی بر خدا دروغ بسته است.

وعموماً، هم یزیدون الوصول إلى نتيجة من الكذب، وهي الطعن في الرؤيا بالقول: إن رؤاهم (المكذوبة) تنقض رؤى المؤمنين (الصادقة) فتسقط حجية رؤى المؤمنين، أي أنهم يحاولون أو يريدون الطعن في ملكوت السماوات من خلال الافتراء على ملكوت السماوات، أي بطريقة غاية في الخبت والشيطنة فهم يريدون أن يقولوا: إن الأخبار التي أتت من ملكوت السماوات متضاربة وبالتالي تتساقط، وهذا يعني أنهم يعتقدون ببطلان الرؤى من رأس وأنها لا قيمة لها ولا حجية لها أصلاً، فالذي يعتقد أن الرؤى من ملكوت السماوات وأنها كلام الله يعلم قطعاً وبقيناً أنها تصب في اتجاه واحد وتشير لحقيقة واحدة؛ لأنها كلمات الله، وبالتالي فلا تضارب بينها حقيقة.

به طور کلی اینها می‌خواهند با دروغ به نتیجه برسند، لذا با این سخن که: رؤیاهای (دروغین) آنها، رؤیاهای (صادقه) مؤمنین را نقض و باطل می‌کند لذا حجیت خواب مؤمنین منتفی است، در پی خدشه‌دار کردن رؤیا هستند. در واقع آنها می‌کوشند یا می‌خواهند با افترا بستن بر ملکوت آسمان‌ها، بر ملکوت آسمان‌ها خرده بگیرند؛ یعنی با شیوه‌ای که در کمال پلیدی و شیطنت است می‌خواهند بگویند: اخباری که از ملکوت آسمان‌ها آمده ضد و نقیض و لذا بی‌ارزش است. این به آن معنا است که آنها اساساً به باطل بودن رؤیا عقیده دارند و می‌گویند رؤیا نه ارزشی دارد و نه حجیتی. کسی که معتقد است رؤیا از ملکوت آسمان‌ها آمده و کلام خدا است، به طور قطع و یقین می‌داند که رؤیاهای همگی در یک مسیر قرار دارند و جملگی به یک حقیقت واحد اشاره می‌نمایند، زیرا اینها کلمات خدا هستند و لذا واقعاً هیچ تضارب و تضادی بین آنها جاری و ساری نیست.

نعم، هناك تضارب بين رؤى حقيقية وأكاذيب وأوهام وسفاهات شيطانية تبدأ بالطعن برؤى المؤمنين ثم الطعن بملكوت السماوات،

وَأخيراً تنتهي بتكذيب القرآن القائل: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ..... قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيِّنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيداً يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (العنكبوت: ٥٠ - ٥٢)، بل وتكذيب الواقع الذي نقله التاريخ من شهادة الله لمن آمنوا بعيسى (عليه السلام) وبمحمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وبعلي (عليه السلام) وبالحسن وبالحسين عليهما السلام ووو.....].

آری، بین رؤیای واقعی و دروغ و وهم و بی‌خردی شیطنت‌آمیزی که از خدشه‌دار کردن رؤیای مؤمنین شروع می‌شود و با خرده‌گیری بر ملکوت آسمان‌ها ادامه می‌یابد و با تکذیب قرآن خاتمه می‌یابد، تعارض و ناسازگاری وجود دارد؛ آن گاه که نهایت کارش این سخن است: «و گفتند: چرا از جانب پروردگارش آیاتی بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: خدا به گواهی میان من و شما کافی است، آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند» (عنکبوت: ٥٠ تا ٥٢). بلکه حتی تکذیب واقعیتی است که تاریخ از شهادت خدا نسبت به کسانی که به عیسی (عليه السلام) و محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و علی (عليه السلام) و حسن و حسین (عليهما السلام) و ایمان آورده‌اند، نقل کرده است».

هل توضح الأمر الآن، وتبين الهدف من فعلتهم الخبيثة؟

آیا اکنون قضیه روشن شد و غرض آنها از این کار پلیدشان مشخص گشت؟

وهذا نص آخر له (عليه السلام)، يوضح كيفية تمييز الكاذب في رؤياه،

يقول:

این، متن دیگری از ایشان (عليه السلام) است که در آن، چگونگی تشخیص کسی که در رؤیا دروغ‌گویی کرده است را بیان می‌دارد:

[ماذا يريد أن يقول من يدعي أنه رأى رؤيا لا تؤيد أحمد الحسن؟! مع أن هناك آلاف الرؤى لأناس من بلاد مختلفة ومن عقائد مختلفة رأوا أن أحمد الحسن حق؟ ماذا يريد أن يقول؟

«آن کس که مدعی است خوابی دیده که احمد الحسن را تایید نمی‌کند، چه می‌خواهد بگوید؟!»

در حالی که مردمی از کشورهای مختلف و با عقاید گوناگون، هزاران خواب دیده‌اند مبنی بر این که احمد الحسن حق است. او چه می‌خواهد بگوید؟

یرید أن یقول: إنَّ الملكوت متناقض ! یرید أن یضرب ملکوت السماوات ؟

می‌خواهد بگوید: ملکوت متباین و متناقض است؟! وی در پی آن است که ملکوت آسمان ها را خوار و ذلیل کند!؟

وإذا كان الملكوت بيد الله، فهناك إذن صادق وهناك كاذب، والأمر في تمييزهما واضح، وهو أن من رأى رؤيا موافقة لوصية الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) فهو الصادق، ومن يكذب ويقص رؤيا ضد وصية الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) فهو كذاب [.

اگر ملکوت به دست خداوند است پس در این جا، ما هم راست گو داریم و هم دروغ گو و نحوه‌ی تمایز قابل شدن بین این دو نیز واضح است؛ به این صورت که هر کس رؤیایی موافق با وصیت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) ببیند، راست گو و هر کس که دروغ بگوید و رؤیایی بر خلاف وصیت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) حکایت کند، دروغ گو است.»

وأيضاً: عن مثل هؤلاء الكذبة الذين يبتئون بين الناس كذبهم باختلاق رؤى، في ذات الوقت الذي يصرحون علناً بعدائهم لأحمد الحسن ودعوته، سمعته (عليه السلام) يقول:

همچنین ایشان (عليه السلام) در خصوص چنین افرادی که خواب‌های دروغین و ساختگی خود را بین مردم منتشر می‌کنند و در همین موقع دشمنی خود با احمد الحسن و دعوتش را آشکارا ابراز می‌دارند، فرمود:

[هذه المسألة لا تنتهي عندهم، هم أهون شيء عندهم الكذب، وأهون منه القسم، القسم الكاذب عندهم سهل جدا. فالذي يقول إنه رأى رؤيا ضد أحمد الحسن أين يريد أن يصل ؟ هل يريد معارضة آلاف الرؤى التي تؤيد أحمد الحسن ورأها ناس لا علاقة لهم بأحمد

الحسن، ومن بلاد مختلفة، ومن عقائد مختلفة؟! هل معقول تُعارض رؤاهم برؤيا مدعاة لشخص هو عدو لأحمد الحسن باعترافه هو؟! فكيف يمكن أن يعتبر رؤياه المخترعة تعارض رؤى أناس لا مصلحة لهم مع أحمد الحسن ولا علاقة لهم به ولم يكونوا يؤمنون به، اللهم إلا إذا كان لديه هدف واحد وهو أنه يريد أن يقول بأن الملكوت لا قيمة له والرؤى لا قيمة لها !!

«این مساله برای آنها فرجامی ندارد. آسان‌ترین کار پیش آنها دروغ‌گویی است، و آسان‌تر از آن سوگند. سوگند دروغ خوردن پیش آنها بسیار ساده و سبک است. کسی که می‌گوید خوابی بر ضد احمد الحسن دیده می‌خواهد به کجا برسد؟ آیا درصدد آن است که با هزاران رؤیایی که تایید کننده‌ی احمد الحسن است و آنها را مردمی از کشورهای مختلف و با عقاید گوناگون که ارتباطی با احمد الحسن ندارند دیده‌اند، معارضه کند؟! آیا معقول است که رؤیاهای این افراد، با رؤیای یک فرد مدعی که خودش اعتراف کرده با احمد الحسن دشمن است، معارض باشد؟ چه طور ممکن است رؤیای جعلی او، با رؤیاهای مردمی که نه سر و سری با احمد الحسن دارند، نه با او ارتباط دارند و نه به او ایمان آورده‌اند، تاب مقاومت داشته باشد؟ به خدا سوگند یگانه هدف و غرض چنین شخصی این است که می‌خواهد بگوید هم ملکوت و هم رؤیا، چیزهای بی ارزشی هستند!!»

هؤلاء، إبليس لا يستطيع أن يصل إلى ما وصلوا إليه !

اینها به جایی رسیده‌اند که ابلیس از رسیدن به آنجا ناتوان است!

هذا الذي يكذب على الله في الرؤيا يُبعث يوم القيامة مع مسيلمة وسجاح؛ لأنه مثلهم كاذب على الله، فمن الطبيعي جداً أن تجده يقسم بالله كاذباً لأنه أصلاً كذب على الله.

کسی که در مورد رؤیا بر خدا دروغ می‌بندد، روز قیامت با مسیلمه و سجاج محشور می‌گردد، زیرا او نیز همچون اینها بر خدا دروغ بسته است؛ لذا کاملاً طبیعی است که ببینی او به خدا سوگند دروغ می‌خورد زیرا وی اصولاً بر خدا دروغ گو است.

إن شاء الله يكون خيراً، ولكن فقط انتبهوا أن هؤلاء أسوأ من ابن العاص فتوقعوا منهم أكثر منه .]

ان شاء الله خیر است، ولی فقط به هوش باشید که اینها از ابن عاص بدترند، و بیش از او باید از اینها برحذر باشید (و انتظار شیطنت داشته باشید)».

* * *